

# برادران

جان فاستر دالس، آلن دالس

و

جنگ جهانی پنهانی آن‌ها

استیون کینزر

مترجم: شهریار خواجهان



نشر اختران

## فهرست

۱۱.....	مقدمه
	<b>بخش یکم: دو برادر</b>
۱۷.....	۱. اتفاقات ناگفتنی
۵۷.....	۲. آلودگی محیط
۹۳.....	۳. تیره، تیره‌تر، دالس
۱۲۵.....	۴. آن مردکِ وال استریتی
	<b>بخش دوم: شش هیولا</b>
۱۶۵.....	۵. درویش اهلِ سماع با تحصیلات دانشگاهی
۲۰۳.....	۶. روراست‌ترین طرفدار کمونیسیم
۲۴۹.....	۷. تعامل بی‌نظیر بیرحمی و فریبکاری
۳۰۳.....	۸. رئیس‌جمهورِ سرمست
۳۴۵.....	۹. آن رادیکالِ بلند بالای ریش‌بزی
۳۹۵.....	۱۰. قَدَرِ قدرتِ ریشو
	<b>بخش سوم: یک قرن</b>
۴۲۹.....	۱۱. صورتی از خدا
۴۵۳.....	یادداشت‌ها
۴۸۱.....	کتابشناسی
۴۹۵.....	نمایه
۵۱۵.....	قدردانی

## اتفاقات ناگفتنی

در نخستین سال‌های قرن بیستم، اوایل هر صبح تابستانی، با طلوع آفتاب بر فراز دریاچه اُنتاریو، دو پسر بچه از خواب برمی‌خاستند. روزشان با یک دوش آب سرد آغاز می‌شد. این تنها شکلی از استحمام بود که پدرشان به آن‌ها اجازه می‌داد. پس از صرف صبحانه، آن دو با بقیه خانواده برای خواندن انجیل در جلو آلاچیق خانه جمع می‌شدند؛ یک یا دو سرود مذهبی می‌خواندند، و در حالی که پدرشان دعا می‌خواند زانو می‌زدند و دعا می‌خواندند. پس از انجام این فریضه به سرعت به سوی ساحل می‌دویدند، جایی که پدر بزرگ و عموی‌شان منتظر بودند که آن‌ها را با قایق برای دنبال کردن ماهی‌های قزل‌آلای بازیگوش به دریاچه ببرند.

شاید هیچ‌وقت چند قایق ماهیگیری در هیچ دریاچه‌ای این چنین سه نسل را در خود جای نداده باشد. پیرمرد با آن خطریش‌های پهن، سی و دومین وزیر خارجه آمریکا شده بود. دامادش در راه رسیدن به مقام چهل و دومین وزیر خارجه بود. اما آن دو پسر، سرانجام تا آنجا پیش رفتند که از هر دو پای مشهور ماهیگیری‌شان پیشی گرفتند. پسر بزرگ‌تر، جان فاستر دالس، پنجاه و دومین وزیر خارجه و چهره‌ای مقتدر در سیاست جهانی شد. برادرش، آلن، نیز برای آن به دنیا آمده بود تا سرنوشت کشورها و ملت‌ها را شکل دهد، اما از راه‌هایی پنهانی که در آن زمان کسی تصورش را هم نمی‌کرد. وی بعدها در زندگی خود به این باور رسید که علاقه‌اش به جاسوسی تا حد زیادی از تجربه «یافتن ماهی، قلاب انداختن برای آن، بازی با آن، کشاندن آن به دنبال خود و خسته کردنش تا این‌که تقریباً خوشحال شود که به دام بیفتد»<sup>۱</sup>، ناشی می‌شد.

بیت المقدس سفر کرد و دو کتاب با درونمایه کاملاً مسیحی نوشت: *Life in India* (زندگی در هند) و *The Ride Through Palestine* (سفر در فلسطین).

دو تن از سه پسر جان ولش دالس شغل روحانی پدرشان را دنبال کردند. پدر روحانی جوزف دالس سوم نزدیک به نیم قرن کتابخانه دانشکده معقول و منقول (الاهیات) پرینستون را اداره کرد. برادر وی پدر روحانی آلن میسی دالس، کشیش و متألهی بود که دو پسرش وزیر خارجه و رئیس سی‌آی‌ای (سیا) شدند.

ادیت فاستر یکی از جهان‌وطن‌ترین زنان جوان آمریکایی نسل خود، در ۱۸۸۱ با آلن میسی دالس ملاقات کرد. هر دو در حال گردش در پاریس بودند. ادیت فقط هجده سال داشت و در رؤیای عصر طلایی افسانه دختر شاه پریان زندگی می‌کرد. پدر ادیت، جان واتسون فاستر، با خطریش چکمه‌ای‌اش حقوقدان و دیپلماتی سرشناس و از ارکان حزب جمهوری‌خواه بود. فاستر شیفته بچه‌ها بود، و پس از این‌که تنها پسر و یکی از دخترانش در خردسالی مردند، در بذل توجه به دو دختر بازمانده خود از هیچ کوششی فروگذار نکرد. وی زمانی که وزیر مختار آمریکا در مکزیک شد ادیت و خواهر کوچک‌ترش الینور را به همراه خود برد و این خانواده هفت سال در آنجا به سر بردند. آنگاه به سن‌پترزبورگ رفت و در دربار تزار الکساندر دوم، رهایی‌بخش سرف‌های روس، وزیر مختار آمریکا شد. دخترها در محافل باشکوه دیپلماتیک بزرگ شدند، در پارک چاپولته‌پک مکزیکو اسب سواری می‌کردند، در مجالس بزرگ رقص حضور می‌یافتند و با شاهزاده‌های روس می‌رقصیدند، و در کنار پدر مهربانشان پایتخت‌های اروپایی را می‌گشتند. رابطه عاشقانه و شکوفای ادیت با پدر روحانی دالس قطع شد و این وقتی بود که پدر وی به سفارت اسپانیا منصوب شد. تا یک‌سال‌ونیم بعد که روحانی جوان صبورانه منتظر ماند، ادیت در میان اشراف اسپانیایی می‌گشت و ندیمه شاهزاده خانم اسپانیا شده بود. وقتی خانواده در تابستان ۱۸۸۵ به وطن بازگشت، ادیت دلداری خود را راسخ‌تر از همیشه یافت. آن‌ها در ماه ژانویه با هم ازدواج کردند.

آن سفرهای صبحگاهی برای ماهیگیری در دریاچه‌ها و رودخانه‌های شمال نیویورک، و بعدازظهرها و شامگاه‌هایی که از پی می‌آمدند، سرشار بود از درس‌هایی در تاریخ آمریکا و سیاست جهانی. آن تجربه‌ها چنان تأثیری بر دو برادر داشت که هنوز برای خود آن‌ها قابل درک نبود، اما آن‌ها را بخشی از نیروی محرکه‌ای کرد که نیم قرن بعد ایالات متحده را شکل می‌داد، که وارد دوران بزرگ‌ترین کامیابی‌ها و در عین حال وحشتناک‌ترین کابوس‌ها شد.

آلن بعدها نوشت: «در آن محیط خوشایند، ما خود را نه تنها رها در ماهیگیری، قایقرانی و تیس، بل در بحث‌های بی‌پایان پیرامون مسائل بزرگ جهان می‌کردیم که بنا بود کشورمان با آن‌ها روبه‌رو شود. این بحث‌ها از زبان وزیر خارجه پیشین و وزیر خارجه بعدی، طبعاً وزن و اعتبار خاصی می‌یافت. در ابتدا ما بچه‌ها شنونده و در واقع شاگرد بودیم، اما هرچه بزرگ‌تر می‌شدیم به شرکت‌کنندگانی قدرتمند در بحث‌های بین‌المللی تبدیل می‌شدیم.»

نخستین عضو این خانواده استثنایی اسکاتلندی - ایرلندی، که آمریکایی محسوب می‌شود، جوزف دالس بود که در ۱۷۷۸ از سرکوب ضدپروتستانی ایرلند گریخت و راهی کارولینای جنوبی شد، و در آنجا به یک زمین - برده‌دار مرفه تبدیل شد. خانواده وی مذهبی و علاقه‌مند به روحانیت بود. یکی از پسران او، جوزف هیتلی دالس، مأمور خدمت در سه کلیسای پرسبتر در فیلادلفیا شد. پسر جوزف، جان ولش دالس، که «پسری حساس» بود، به دانشگاه ییل رفت تا به تحصیل پزشکی بپردازد اما احساس کرد که به جای آن باید مبلغ دینی شود. وی در بیست‌وشش سالگی عازم هند شد تا در آنجا انجیل درس بدهد، و با یک کشتی فرسوده سفر مشهور ۱۳۲ روزه‌ای به مدرّس انجام داد. پنج سال بعد، مشکلات سلامتی وی را بر آن داشت تا به خانه‌اش در فیلادلفیا بازگردد و در آنجا به شغل هدایت کارزار تبلیغ مذهبی برای اتحادیه آمریکایی ساندی اسکول\* پرداخت. وی در جریان جنگ‌های داخلی یک دفترچه راهنمای مذهبی برای سربازان اتحادیه شمال نوشت، به

\* نهاد آموزشی معمولاً مسیحی در انگلستان و آمریکا. - م